به‌زودی فیلم سینمایی «ردخون» اکران می‌شود
آیا شاهد یک نمایش موفق خواهیم بود؟

# پیش‌بینی یکه‌تازی «ردخون» روی پرده

علی رستگار
فرهنگی


**دنباله‌سازی معمولا در سینمای تجاری و گیشه‌پسند اتفاق می‌افتد و به‌ندرت سینمایی که فضایی جدی‌تر و هنری‌تر را دنبال می‌کند، سراغ قسمت دوم و احیانا بعدی فیلمی می‌رود. شکل اول فیلم‌ها ماحصل استقبال بالای تماشاگران است که سازندگان آثار را به صرافت ساخت فیلم‌های بعدی می‌کشاند و سفره‌ای سینمایی برای سودآوری‌های بعدی گشوده می‌شود و در شکل دوم هم باز مخاطبان البته در مقیاس کوچک‌تر و کم‌شمارتر، نقش مهمی در ساخت قسمت‌های بعدی دارند، هرچند ممکن است خود فیلمساز هم فارغ از اقبال مخاطبان، پیشتر و از ابتدای شروع پروژه به ساخت سه‌گانه و یک مجموعه فیلم، فکر کرده باشد، نظیر آنچه کریشتف کیشلوفسکی در سه رنگ (آبی، سفید، قرمز) یا فریدون جیرانی در ستاره‌ها (ستاره می‌شود، ستاره است، ستاره بود) انجام دادند. با این حال تقسیم‌بندی آثار دنباله‌دار و دو یا چند قسمتی، به سینمای تجاری و سرگرم‌کننده صرف و سینمای هنری و جدی صرف، کامل و همه ماجرا نیست و گاهی هم دنباله‌سازی‌ها فیلم‌هایی هستند که هر دو وجه و مولفه سینمای جدی و مخاطب‌پسند در آنها رعایت می‌شود و با آثاری مواجهیم که هم مورد پسند منتقدان و جشنواره‌های سینمایی قرار می‌گیرند و هم در اکران عمومی، گلیمشان را از گیشه بیرون می‌کشند و فروش خوبی هم دارند.**

ماجرای نیمروز را می‌توان در این گروه از دنباله‌سازی‌ها قرار داد؛ فیلمی که قسمت اول بسیار موفقی داشت و به‌جز موفقیت خیره‌کننده در سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر و کسب جوایز مهمی چون سیمرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، اکران عمومی موفقی هم در گیشه داشت و به فروشی حدود پنج میلیارد تومان دست پیدا کرد و بعدتر در زمان انتشار در شبکه نمایش خانگی هم بیش از پیش دیده شد و مورد توجه قرار گرفت. ماجرای نیمروز که به سال ملتهب ۶۰ در ایران و ترورهای منافقین می‌پرداخت، به خودی خود فیلم موفق و مستقلی محسوب می‌شد و فیلم استاندارد و جذابی بود و قصه‌اش را هم به سامان رساند و بنا به تولید قسمت دوم فیلم نبود. دست‌کم گروه سازنده در اظهارات رسمی و مصاحبه‌ها زمان جشنواره و اکران عمومی، خبری در این خصوص اعلام نکردند، اما موفقیت فیلم در جشنواره فیلم فجر و در مواجهه با تماشاگران در گیشه، سازندگان را به صرافت ساخت قسمت دوم انداخت. البته از سوی دیگر آن مقطع تاریخی روایت شده در قسمت اول و ادامه فعالیت‌های خرابکارانه منافقین، این ظرفیت را داشت که قصه فیلم با همان گروه اطلاعاتی ایران و در فضای عملیات مرصاد ادامه پیدا کند، حالا به نظر می‌رسد که حق توجیه و منطق ساخت قسمت دوم ماجرای نیمروز برای سازندگان محفوظ باشد!

## کنجکاوی برای تماشا

وقتی سرانجام سازندگان تصمیم به ساخت قسمت دوم فیلم گرفتند و این خبر را علنی کردند، کنجکاوی علاقه‌مندان قسمت اول برای تماشای قسمت دوم شروع شد و طی مدت پیش تولید و تولید افزایش هم یافت. به دلیل همان موفقیت قسمت اول، توقعات مخاطبان از قسمت دوم بالا بود و آنها دوست داشتند ماجرای نیمروز؛ رد خون دست کم به اندازه قسمت اول، جذاب و تماشایی باشد. ضمن این‌که می‌توان فشار روی سازندگان به‌ویژه محمدحسین مهدویان را هم درک کرد که برای ساخت فیلم موفقی در حد و اندازه ماجرای نیمروز، با چه چالشی روبه‌رو بود، در این میان باید حساسیت التهاب موضوع و ماجرای قسمت دوم یعنی عملیات مرصاد را هم در نظر گرفت که حساسیت به مراتب بیشتری از قسمت اول داشت و خیلی‌ها روی جهت روایت کارگردان متمرکز شده بودند. بخشی از مخاطبان که ماجرای نیمروز؛ رد خون را در جشنواره فیلم فجر دیدند که در آنها موافقان و مخالفانی وجود دارد و بسیاری دیگر نیز که موفق به تماشای فیلم نشدند، از همان زمان جشنواره سال گذشته فیلم فجر در بهمن‌ماه، برای دیدن فیلم روزشماری می‌کنند. خب، انتظارها رو به پایان است و قرار است از سوم مهر، ماجرای نیمروز؛ ردخون به‌صورت عمومی اکران شود. اما در این چند وقت، حاشیه‌هایی برای فیلم پیش آمد که باوجود صدور پروانه نمایش و مشخص شدن تاریخ اکران عمومی و انتشار تیزر فیلم، هنوز فروکش نکرده است.

## گلایه‌های کارگردان و تهیه‌کننده

حساسیت و التهاب موضوع، به هرحال باعث تعویق صدور پروانه نمایش فیلم شد که گلایه‌ها و واکنش‌های سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده و محمدحسین مهدویان، کارگردان فیلم را در پی داشت. به‌طوری که رضوی در یکی از توییت‌هایش نوشت: «می‌ترسم اشک در غم‌های ما در خصوص ماجرای نیمروز؛ رد خون پرده در شود و این رازهای سر به مهر ما، آخر یک روز به عالم سمر شود! ما هنوز پروانه نمایش ماجرای نیمروز؛ ردخون را ندیدیم، اما دیروز در جلسه‌ای آقای دکتر ابراهیم داروغه‌زاده گفتند اگر اصلاحات مدنظر شورا انجام شود پروانه صادر می‌شود. البته شرح غم ما، مسأله امروز و دیروز شورای پروانه نمایش و ارشاد نیست، غم ما و رازهای سر به مهر ما از جای دیگر آب می‌خورد که از روز اول پروانه ساخت تا الان بوده و ما را خسته کرده!

فعلا هم آقای مهدویان سفر است، اصلاحات باید بماند تا ایشان بیاید و ببینیم چه می‌شود فعلا هم ما پروانه نداریم.»

مهدویان هم در صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی نوشت: «اول این‌که فقط جهت توضیح عرض کنم که پروانه نمایش، نام یک مجوز رسمی است که به تهیه‌کننده می‌دن تا بتونه فیلمش رو اکران کنه و باز تا جایی که من می‌دونم با خبر صدور پروانه نمی‌شه فیلم رو اکران کرد. خودشو باید بدن. دوم هم این‌که اون مواردی که فرمودن دیگه اسمش اصلاحات نیست. استحاله است.»

ابراهیم داروغه‌زاده معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی هم در پاسخ به توییت رضوی، این «سیدعزیز» را به صبوری دعوت کرد!

## جای نگرانی نیست

نتیجه این کشمکش‌های نرم میان سازندگان فیلم و ارشاد، ظاهرا در نهایت منجر به اصلاحیه و ممیزی اندکی در ماجرای نیمروز؛ رد خون شده است، هرچند انگار گلایه‌های رضوی و مهدویان به قوت خود باقی است، اما به نظر نمی‌رسد که اوضاع اکران فیلم آن‌طور که تهیه‌کننده و کارگردان و سازندگان وانمود می‌کنند، بد و نگران‌کننده باشد. عرض می‌کنیم خدمتتان.

فیلم زمانی اکران می‌شود که رقیب سرسختی در گیشه وجود ندارد و برخی از مهم‌ترین فیلم‌هایی با ظرفیت بالای فروش و جذب مخاطب، از آغاز سال تاکنون اکران شده‌اند و فروش خود را کرده و الک‌هایشان را در گیشه آویخته‌اند، آثاری همچون متری شیش و نیم، تگزاس ۲، رحمان ۱۴۰۰، سرخپوست و شبی که ماه کامل شد و فیلم‌های تازه اکران همچون شاه کش، کروکودیل، مردی بدون سایه، کلوپ همسران، شکستن همزمان بیست استخوان، برمودا، چاقی، روسی، جانان و...، هم رقیب قدرتمندی برای رویارویی با ماجرای نیمروز؛ رد خون به نظر نمی‌رسند.

در چنین فصل بی‌رقیبی، قطعا آغاز سال تحصیلی جدید و گشایش دانشگاه‌ها و مدارس هم در اکران به سود قسمت دوم ماجرای نیمروز است و بخش مهمی از مخاطبان هدف فیلم، فرصت خوبی برای تماشای فیلم حتی در برخی موارد به صورت گروهی و دوستانه را خواهند داشت. در حالی که شاید اگر ماجرای نیمروز؛ رد خون در تابستان به نمایش عمومی درمی‌آمد، این ظرفیت بالقوه را برای تماشا توسط به‌ویژه دانشجویان نداشت.

امتیاز مهم دیگر درباره اکران ماجرای نیمروز؛ رد خون هم همان موفقیت خیره‌کننده قسمت اول فیلم است و حالا انبوهی از مخاطبان باتوجه به میزان رضایت و علاقه‌ای که نسبت به ماجرای نیمروز داشتند، به تماشای قسمت دوم فیلم خواهند رفت و همین موج اولیه، قطعا منجر به شروع خوب فیلم در گیشه و در روزها و هفته‌های ابتدایی خواهد بود و اگر رضایت این گروه از مخاطبان فراهم شود، کنجکاوی بیشتری برای دیگر مخاطبان هم ایجاد خواهد شد و می‌تواند فروش بالاتر فیلم در گیشه را تضمین کند. این‌که تهیه‌کننده فیلم در اینستاگرامش می‌نویسد: «روی حمایت تک‌تک شما حساب باز کرده‌ایم.» هم نوعی حقیقت است و اقبال هر کدام از تماشاگران و تبلیغات شفاهی یا در فضای مجازی آنها می‌تواند استقبال از فیلم را افزایش دهد و هم نوعی تعارف و شکسته نفسی به حساب می‌آید، چون به خاطر همین دلایل و امتیازاتی که در بالا ذکر کردیم، مگر می‌شود قسمت اول ماجرای نیمروز و شخصیت‌هایی چون کمال (هادی حجازی‌فر)، صادق (جواد عزتی)، مسعود (مهدی زمین‌پرداز) و... را دوست داشته باشید و نخواهید که از سرنوشت آنها مطلع شوید؟ همان‌طور که در تیزر قسمت دوم فیلم هم گفته می‌شود: «پس از هفت سال پیگیری یک پرونده ناتمام». بنابراین کنجکاوی برای تماشای این پرونده ناتمام هم خود ترفندی تبلیغاتی، طعمه‌ای سینمایی و یکی از برگ‌های برنده ماجرای نیمروز؛ رد خون در گیشه است.

اتفاق هفته

## این افراد مشهور نازنین

مثل این‌که قرار نیست این پیغام و پسغام‌ها و مچ‌گیری‌های بازیگران تمام شود. بله، ماجرای جدید در پاسخ به ویدئوی منتشرشده از پگاه آهنگرانی درباره اظهارنظرهای چهره‌های مشهور راجع به زمین و زمان آغاز شد و مهناز افشار به عنوان یک بازیگر فعال و البته دغدغه‌مند اجتماعی و البته کنشگر مدنی و هزاران البته دیگر، سریع‌السیر جوابش را داد و منیژه حکمت، مادر پگاه آهنگرانی هم جواب افشار را داد و الی آخر.

حالا برگردیم از اول که کی چی گفت.

پگاه آهنگرانی مدت‌هاست در فضای مجازی فعالیتی ندارد، اما در ویدئویی که تازه از او در فضای مجازی منتشر شده می‌گوید: «مگر ما که هستیم و چه برتری نسبت به دیگر مردم داریم که باید راجع به همه‌چیز نظر دهیم؟»

و بعد می‌رود سراغ احساس توهمی که بعضی از بازیگران در نتیجه داشتن چند میلیون دنبال‌کننده در فضای مجازی پیدا کرده‌اند و تاکید می‌کند: «بازیگران فکر کرده‌اند چون چند میلیون دنبال‌کننده دارند حق دارند راجع به همه چیز حرف بزنند».

مهناز افشار این ویدئوی پگاه آهنگرانی را در فضای مجازی می‌بیند و تمام این حرف‌ها را به خود می‌گیرد و مکدر می‌شود و در واکنش به آن می‌گوید: «پگاه آهنگرانی عزیزم، پیغامت رو همه شنیدن؛ امیدوارم هرچه زودتر حکم ممنوع‌الخروجی‌ات لغو بشه».

آه که بنده الان به عنوان نویسنده این عرایض هم لبخند تلخی به لبم آمده که واقعا دیدنی است.

القصه که این ماجرا به همین جا ختم نشد و به فاصله کمی از توییت افشار، منیژه حکمت کارگردان سینما و مادر پگاه آهنگرانی درباره دخترش نوشت: «مهناز جان قصد جواب نداشتم ولی پگاه گفت این پیغام رو بهت بدم، اول این‌که این مصاحبه برای دو سال و اندی پیش است، پس نه به ممنوع‌الخروجی ربط دارد و نه به خاطر عافیت‌طلبی است و به غلط این شائبه را جا نیندازید که پگاه عافیت‌طلب یا به هر طریقی به دنبال رفع ممنوع‌الخروجی بود.»

از آن طرف مهناز افشار، به طرفه‌العینی در پاسخ به این پست حکمت نوشت: «خاله منیژه، هیشکی ندونه ولی شما خوب میدونین که روزی که پگاه نازنینمون در اوین بود من تنها بازیگر زنی بودم که با عشق و حس وظیفه روبه‌روی زندان تا صبح کنارتون بودم. شاید هرکدوم از شماها برای یک بار هم شده خودتون رو جای من در این پنج سال بگذارید، حق بدید که شک کنم به اخلاق‌مداری».

به هر صورت فعلا که جواب دیگری بین دوستان رد و بدل نشده و امن و امان برقرار است تا چندی دیگر و سخنی دیگر از این افراد مشهور نازنین.

پشت صحنه

## تنها یک بار اتفاق می‌افتد

ویسواوا شیمبورسکا، شاعر لهستانی را می‌شناسید؟ خیلی‌ها او را در جهان می‌شناسند. او کتابی دارد با نام هیچ چیز دو بار اتفاق نمی‌افتد. او در شعری مدام تاکید می‌کند که همه چیز تنها یک بار اتفاق می‌افتد. خواستیم به خودمان و شما بگوییم این آخرین آخر هفته شهریور است که ما می‌نویسیم و شما می‌خوانید. رفت تا سال دیگر... یعنی یک سال خبری از پایان تابستان و نزدیکی پاییز نخواهد بود. آخرین آخر هفته تابستانی‌تان در سال ۱۳۹۸ پر از اتفاقات خوب.

خب برویم سراغ صفحات امروز. محمدصادق علیزاده با هیات عراقی که به دیدار رهبری رفته‌اند همراه شده و گزارش جذاب و خواندنی در این باره نوشته است. در این دیدار بیش از هزار موکب‌دار عراقی به دیدار رهبری آمده بودند و لحظات بسیار زیبایی در این دیدارها رقم خورده است. بروید صفحه ۱۰ و بخوانیدش.

قرار است فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز: رد خون» ساخته محمدحسین مهدویان اکران شود. فیلمی که قسمت قبلی آن «ماجرای نیمروز» با اقبال خوبی میان منتقدان و گیشه روبه‌رو شد. محمود رضوی، تهیه‌کننده این فیلم کلی گلایه کرده از این‌که فصل نامناسبی به اکران فیلم اختصاص پیدا کرده است. علی رستگار رفته سراغ گلایه‌های این تهیه‌کننده و بررسی‌شان کرده است تا ببینیم تا چه حد حق با رضوی است. هر چند این‌طور که بحث و بررسی‌های همکار و دبیر گرامی را میان کارهایم شنیدم، نظرشان چندان هم با آقای رضوی موافق نبود و کلی دلیل داشتند برای این‌که رد خون می‌تواند مردم را به سینماها بکشاند. در همین صفحه بخوانید و ببینید همکارمان بالاخره به چه نتایجی رسیده است.

بنیامین بهادری عکس خانوادگی منتشر کرده و نوشته است: «به‌زودی می‌تونین بیاین خونه‌مون!» همین هم موجب شده کاربران فضای مجازی حسابی واکنش نشان داده و برای فهمیدن این‌که ماجرا از چه قرار است، حساسیت به خرج دهند. ما هم در کنجکاوی و علاقه‌مندی برای کشف ماجرا چیزی از کاربران فضای مجازی کم نداریم! اصلا اغلب خودمان هم جزو کاربران فعال همین فضاییم و همیشه کلی سوژه و اتفاق در آن پیدا می‌کنیم. خلاصه که رفتیم سراغ ماجرای دیدار و چاق سلامتی با بنیامین و خانواده‌اش. بله... می‌دانیم همین الان شما هم کنجکاو شده‌اید و احتمالا با خنده به خودتان گفته‌اید حالا چی بپوشم؟! پس در صفحه ۱۱ امروز بخوانید و ببینید چطور و چگونه به خانه بنیامین بهادری دعوت شده‌اید.

در صفحه ۱۲ هم که دیگر خودتان می‌دانید... سینمای جهان و کیکاووس زیاری حسابی منتظرتان هستند و می‌خواهند به شما بگویند پرده نقره‌ای سینما در جهان به زودی چه اتفاقاتی را تجربه خواهد کرد یا این‌که همین حالا چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است.